بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

بحمدالله کتاب **علامه مجلسی** به پایان رسید. هنگامی که دست به تألیف آن زدیم سعی داشتیم آن را برای ایام برگزاری کنگرهٔ او که بنا بود بعد از ماه مبارک رمضان سال ۱۴۱۰ در اصفهان یا مشهد مقدس منعقد گردد آماده سازیم. در آن موقع کتاب را در حدود ۳۰۰ صفحه برآورد کرده بودیم. ولی چون کنگره منتفی یا چنانکه می‌گویند به تأخیر افتاد، تصمیم گرفتیم با فرصت بیشتری که داریم به حجم کتاب بیفزائیم تا مطالب لازم در شرح علامه مجلسی نگاشته شود، و کتابی در خور آن علامه عظیم الشأن باشد.

نویسنده که در طول اشتغال به تألیف آن گرفتار بود، گرفتاری بیشتری پیدا کرد، خستگی و کار زیاد از یک طرف فقدان امکانات و دوری ما از مآخذ و منابع بیشتر از طرف دیگر بر رکود کار می افزود ولی بحمدالله هر طور بود کتاب را به پایان آوردیم، و اینک پیشگفتار آن را می نویسیم. خدا را شکر که ما را بر این کار سنگین و بزرگ موفق داشت، **وما کنا لنهتدی لولاان هدانا الله.**

با تفضلات الهی ما برای سیصدمین سال علامه مجلسی با همه خستگی و گرفتاری دو کتاب بزرگ و سنگین را در مدتی کوتاه آماده چاپ نمودیم. نخست بخش یکم **مرآت الاحوال جهان‌نما** بود که چاپ و منتشر شده، و دوم همین کتاب یعنی **علامه مجلسی** است.

آری ما و دوستان دیگر کتابها را آماده کردیم ولی کنگره سیصدمین سال علامه مجلسی برگزار نشد، و معلوم هم نیست که در آینده برگزار شود. قبلاً به ما گفتند که در مشهد مقدس منعقد خواهد شد، بعد شنیدیم که در اصفهان در کنار مرقد او برگزار می شود که نشد.

با کمال تأسف نه تنها کنگرهٔ علامه مجلسی برگزار نشد، بلکه سال ۱۱۰۴ مصادف با

سیصدمین سال فقیه بزرگ و محدث عالی قدر شیخ حُرّ عاملی صاحب وسائل الشیعه مدفون در مشهد مقدس بود. دوست دانشمند محقق آقای واعظ زادهٔ خراسانی استاد روحانی دانشکده الهیات مشهد تقدس می‌گفتند، متأسفانه سال ۱۱۰۴ گذشت، و برای شیخ حر عاملی این مرد بزرگ نه کنگره و سالگردی گرفتند و نه یک شماره مخصوص مجله‌ای و حتی مقاله‌ای دربارهٔ او نوشته نشد. ایشان می‌گفتند تأسف‌آورتر این که در مرقد او در صحن مطهر حضرت رضا(ع) در دانشگاه اسلامی مشهد باز می‌شود و شبانه روز علما و طلاب بروی فاتحه می‌خوانند، و این غفلت پیش آمد و کاری انجام نگرفت. سال ۱۴۰۵ هم مصادف بود با دویستمین سال رحلت استاد کل آقا محمد باقر اصفهانی مشهور به وحید بهبهانی، خواهرزادهٔ علامه مجلسی و پیشوای فقها و علمای شیعه امامیه در دو قرن گذشته بلکه احیاء کننده مکتب اجتهاد و رونق دهندهٔ حوزه‌های علمی ما در این دو قرن.

شش ماه قبل از آن تاریخ من در همه جا اعلام کردم که کنگره دویستمین سال استاد کل و سرآمد دانشمندان شیعه کاری لازم است. زیرا رهبر مملکت حضرت امام خمینی است که مرجع عالیقدر شیعه و بر جای وحید نشسته است، و اصرار کردم در حوزه علمی قم و در مدرسه فیضیه در روز ۲۵ شوال که سالگرد فیضیه است کنگرهٔ او برگزار شود و در ۲۹ شوال که سالروز وفات اوست خاتمه یابد و گفتم تناسب آن با حوزهٔ قم و مدرسه فیضیه هم اینست که اولاً وحید بهبهائی رئیس حوزه‌های علمیه شیعه بر اساس مکتب اجتهاد بوده، و ثانیاً میرزای قمی که مدتی در مدرسه فیضیه تدریس می‌کرد از شاگردان بزرگ استاد کل وحید بهبهانی بوده است.

بنا شد این کار انجام گیرد و با فرصتی که هست مقدمات آن فراهم شود، ولی مثل بسیاری از کارهای ضروری و مهم امروز و فردا شد و مراسمی به عمل نیامد!

کنگرهٔ علامه مجلسی هم که گفتیم مثل این که وقت آن گذشته اما گفته‌اند ممکن است با تأخیر بعد از ماه صفر برگزار شود که امیدواریم عملی گردد.

ولی جای این اظهار تأثر و تأسف هست که در تنها کشور شیعه و با پول بیت‌المال ما کنگره غزالی که لعن یزید بن معاویه را جایز نمی داند، کنگره طبری و سعدی و حافظ برگزار می شود، ولی سه تن از بزرگترین دانشمندان و فقهای شیعه امامیه سالگرد آنها آمد و رفت و کسی یادی از آن بزرگمردان علم و دین نکرد که نکرد، و هذا و الله ممایمیت القلب!! لعل الله یحدث بعد ذلک امراً.

ما در شرح حال علامه مجلسی می خواستیم چیزها بگوئیم و مسائل بسیاری را مطرح کنیم، و از نقل این همه مطالب منظور بزرگتری داشتیم ولی یکباره دیدیم کتاب بیش از حد قطور

شده، و جایی برای طرح مسائل و تحلیل بیشتر باقی نمانده است. باشد که درآینده پژوهشگران کارکشته و با سابقه با این طرحی که ما ریخته ایم و زمینه را برای آنها فراهم ساخته ایم، با این همه مآخذ و منابع و نقل و طرح مطالب پیرامون علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین سخنها بگویند و تحلیلها ارائه دهند، و حق او را چنانکه باید بیش از این ادا کنند.

البته همان طور که در مقدمه گفته ایم ما خود با قلمی دیگر به یاری خداوند متعال شرح حال علامهٔ مجلسی و بعضی از این بزرگمردان را در جلد پنجم **مفاخر اسلام خواهیم نگاشت**، و شاید آنچه در اینجا ناگفته مانده در آنجا بیاوریم. این را به خاطر آن می نویسیم که بعضی از قلم به دستان تازه کار که دیرآمده و زود می خواهند بروند، عجله نکنند و طبق معمول این افراد در این روزها آنچه را ما در اینجا آورده ایم، نه به نقل از کتاب **علامه مجلسی** که با حق ناشناسی، به نقل از مآخذ اصلی به طرز ناشیانه در کتابی یا مقاله ای یا طی مصاحبه ای ابراز دارند، و از این راه آب را گل آلوده ننمایند.

امیدورایم خداوند ما را موفق دارد که بتوانیم با بزرگداشت این چهره های درخشنده اسلامی و دانشوران نامدار خود، دینی را که نسبت به زحمات قابل تقدیر آنها داریم تا حدی ادا کرده باشیم.

نیز از برادر عزیز **آقای محمد سپهری** دانشجوی فوق لیسانس **معارف اسلامی و تبلیغ** قدردانی کنم که تصحیح و فهرست اعلام هر دو کتاب را در فرصتی کوتاه با شور و شوق زیاد به عهده گرفت، و بحمدالله کتابها با کاغذ اعلی و جلد مرغوب در شرف انتشار است.

همچنین از عزیزانی که تایپ و صحافی کتابها را بعهده داشته اند، و با اخلاص آن را دنبال کرده اند، تشکر و قدردانی می شود.

تهران: علی دوانی

۲۵ مرداد ماه ۱۳۶۹

مقدمه

بیست و هفتم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۱۰ هجری قمری مصادف است با سیصدمین سال درگذشت علامه نامی ملا محمد باقر مجلسی ثانی مؤلف دائرة‌المعارف علوم و معارف شیعه امامیه یعنی بحارالانوار که در چاپ جدید یکصدوده جلد است، و مشهورترین و بزرگترین تألیفات اوست.

نویسندهٔ این سطور از همان ایام نوجوانی که توفیق تحصیل علوم دینی نصیبم شد، در میان انبوه علمای بزرگ اسلامی بیشتر با نام علامه مجلسی آشنائی داشتم. زیرا از سن دوازده سالگی کتاب حلیة‌المتقین او را که به زبان فارسی ساده نوشته است، و در آن آداب زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را با ترجمه سادهٔ متون احادیث پیغمبر و ائمه اطهار ارائه داده است، پیوسته می خواندم و سعی داشتم همه را به خاطر سپرده و درست به کار برم.

بعدها کتابهای دیگر او همچون عین‌الحیات و جلاء‌العیون و زادالمعاد را که در آن زمانها زیاد چاپ می شد، و پس از شهریور بیست و فرار رضاخان از ایران رونق بسزائی داشت، به‌دست می آوردم و پیوسته می‌خواندم و از راهنمائی هائی که علامه مجلسی برای یک فرد مسلمان منظور داشته بود، به خوبی بهره می‌گرفتم، و بدین گونه بار آمدم.

هنگامی که در سن پانزده سالگی به نجف اشرف رفتم و شروع به تحصیل علوم دینی نمودم، چنانکه گفتم بیشتر با نام علامه مجلسی که اعمال شب و روزم را از نوشته های او داشتم بیش از هر عالم دیگر، آشنا بودم، و در هر مورد می‌گفتم علامه مجلسی چنین گفته، و این‌طور روایت کرده، یا فلان دعا را در زادالمعاد یا حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح‌الجنان از وی نقل کرده است و هکذا. کاملاً می دیدم که در افراد هم سن و سالم که دانش آموز یا طلبه نوجوان

بودند هم حسن اثر داشت، و همه را تحت تأثیر قرار می داد.

کتابهای دیگر علامه مجلسی را چه فارسی و چه عربی هر چه می دیدم خریداری می‌کردم و می خواندم و نگاه می داشتم.[1] در کتابهای تراجم علمای اسلامی هم مانند فوائد الرضویه حاج شیخ عباس قمی، یا الکنی والالقاب او، و هدیة الاحباب وی که تازه چاپ و منتشر شده بود، همه جا سراغ علامه مجلسی را می‌گرفتم، و پس از وی خواهرزاده‌اش استاد فقهای شیعه آقا محمدباقر اصفهانی مشهور به وحید بهبهانی را که در سال ۱۲۰۵ ه تقریباً یکصد سال پس از دائیش علامه مجلسی چشم از جهان فرو بسته بود؛ در نظر داشتم. تقدیر چنین بود که به افتخار دامادی آنها نائل آیم. زیرا همسرم نوادهٔ استاد کل وحید بهبهانی و با شش واسطه خواهرزادهٔ علامه مجلسی است، و فرزندانم افتخار دارند که نیاکانی این چنین از رهبران بزرگ اسلام دارند.

این نسبت سببی موجب گردید که بیشتر به این دو خاندان نامی از علمای بزرگ اسلامی ارادت ورزم، و سعی بیشتر در بزرگداشت آنها داشته باشم.

در سال ۱۳۳۷ شمسی توفیق یافتم دومین اثرم را در سن ۲۸ سالگی به نام شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی منتشر سازم، و این در عصر مرجعیت مرجع فقید جهان تشیع مرحوم آیت‌الله عظمی بروجردی قدس سره بود،[2] و مورد تقدیر و تحسین خاص آن مرحوم واقع شد.

در این کتاب به مناسبت این که جدهٔ وحید بهبهانی آمنه بیگم دختر دانشمند علامه مجلسی اول ملا محمد تقی اصفهانی، و خواهر علامه مجلسی دوم بوده، فصلی جداگانه راجع به آنها نوشتم، و این نخستین بحث نسبتاً تفصیلی به زبان روز دربارهٔ مجلسیها بود. به خصوص که توفیق یافتم تا حدی پرده از سوءنظر مخالفان داخلی و خارجی نسبت به علامهٔ مجلسی دوم برای نخستین بار بردارم و سخن مغرضانه ادوارد برون انگلیسی ایران شناس مشهور را در تاریخ ادبیات ایران که مأخذ و دستاویز بسیاری از غربزدگان و نویسندگان خودباخته داخلی شده بود، طرح کنم و به آن پاسخ مناسب بدهم، و غرض ورزی و بی اعتباری آن را برملا سازم و حربه را از دست بدخواهان بگیرم.

در سال ۱۳۳۹ شمسی این افتخار بزرگ نصیبم شد که به فرمان مرحوم آیت‌الله بروجردی که خود نیز مانند وحید بهبهانی دخترزادهٔ مجلسی اول و خواهرزادهٔ مجلسی دوم بودند، جلد سیزدهم بحارالانوار علامه مجلسی را که اختصاص به زندگانی حضرت امام‌زمان ارواحنافداه دارد، ترجمه کنم و با مقدمه مفصل و پاورقیهای لازم منتشر سازم.

۱. دربارهٔ کتابهای علامه مجلسی در بخش «نظر ما پیرامون تألیفات و کار علامه مجلسی» نظر خود را اظهار می داریم.

۲. اولین اثرم شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی فیلسوف همشهریم بود که آن را در سال ۱۳۳٤ شمسی منتشر ساختم.

از این فرصت بیشتر استفاده نمودم و جمعاً ۸۷ صفحه را در مقدمه کتاب اختصاص به شرح حال و شناسائی علامه مجلسی مؤلف کتاب دادم، و به تفصیل پیرامون شخصیت علمی و دینی و خاندان اصیل او و استادان و شاگردانش سخن گفتم که خود کتابی مستقل است.[۱]

دو سه سال بعد از انتشار این کتاب که سفری به اصفهان نمودم، در مجلسی مرحوم آیت‌الله خادمی روحانی اول اصفهان فرمودند: فلانی با ترجمه جلد ۱۳ بحار، و نوشتن این مقدمه بسیار مفصل احسنت. واقعاً که مجلسی هم شایسته نوشتن این شرح حال به زبان فارسی امروز بود تا مردم بدانند او چه مقام بزرگی داشته و چه خدمات مهمی به عالم تشیع نموده است.

پس از آن نیز در سایر تألیفاتم چه در متن کتابها و چه در پاورقیها پیرامون مجلسیها زیاد سخن گفته و چیز نوشته‌ام که اگر جمع شود خود کتابی دیگر خواهد بود.

بارها سفارش می‌کردند، آنها را جمع کنم و تنظیم نمایم و به صورت کتابی مستقل در آورم و منتشر سازم، زیرا با اوضاع بلبشوئی که این روزها در سرقت افکار هست، دیگران اینها را که تو تحقیق نموده و منتشر ساخته‌ای به نام خود و بدون ذکر مأخذ در مقالات و مجلات یا به صورت کتاب با کم و بیش تغییرات و اضافاتی منتشر می‌کنند، و نه تنها چیز خوبی هم از کار در نمی‌آید که باعث بدنامی و ریشخند نوع توسط دشمن می‌شود.

ولی تاکنون به واسطه اشتغال به کارهای دیگر و این که بحمدالله کتابهایم مخصوصاً مهدی موعود با چاپهای متعددی که شده در دسترس همه است، از اقدام به چاپ و انتشار کتابی مستقل پیرامون علامه مجلسی قصور ورزیدم.

اخیراً بخش یکم کتاب مرآت الاحوال جهان‌نما نوشته آقا احمد بن محمد علی بهبهانی که خود نوادهٔ دختری مجلسی اول است، با تحقیق و مقدمه و تحشیه نویسنده برای نخستین بار آمادهٔ چاپ شده که مفصل‌ترین مأخذ در شناخت خاندان مجلسی و دودمانهای وابسته به آنهاست. نیز رسالهٔ فارسی انساب خاندان علامه مجلسی نوشته میرزا حیدرعلی مجلسی نوادهٔ پسری مجلسی اول با تصحیح و مقدمه ما به پیوست بخش یکم مرآت الاحوال چاپ شده، و این دو جمعاً قدیم‌ترین و مهم‌ترین و جامع‌ترین کتاب مأخذ شرح احوال خاندان مجلسی و فامیلهای وابسته به آنهاست.

* * *

با این همه ما این خدمات را در آستانهٔ سیصدمین سال رحلت علامه مجلسی مؤلف بحارالانوار کافی ندانسته، و در فرصتی کوتاه خود را آماده ساختیم تا کتابی تازه و مستقل به نام

۱. این کتاب به نام مهدی موعود در ۱۲۸۴ صفحه به قطع وزیری تاکنون ۲۴ بار چاپ و منتشر شده است. و در چاپ بیست و چهارم مقدمه مفصلی به مناسبت سیصدمین سال درگذشت علامه مجلسی بر آن افزوده‌ام.

علامه مجلسی هم منتشر سازیم، و آنچه را لازم می دانیم پیرامون شخصیت والای این بزرگمرد علم و دین در آن بیاوریم. امیدواریم خداوند متعال ما را بر این کار مهم تأیید نموده و به چاپ و انتشار آن موفق دارد.

لازم به ذکر می دانیم که ما در این کتاب بیشتر به ذکر مآخذ از قدیم‌ترین زمانها به بعد پرداخته و شرح حال مجلسی و عصر او را تریسم می‌کنیم، تا منبعی سرشار برای پژوهشگران بعدی در نگارش مطالبی پیرامون مجلسیها و دانشمندان دیگر باشد که در ضمن ذکر می شوند. به یاری خداوند متعال شرح حال دیگری از مجلسی به روشی که در مجلدات مفاخر اسلام داشته ایم، در جلد پنجم آن که از محقق اردبیلی تا علامه مجلسی را شامل می شود می آوریم.[1]

خدا را شکر می‌کنیم که ما را بر این همه توفیقات در راه خدمت به علم و فرهنگ اسلامی و شناسائی بزرگان دین موفق داشته است، وماکنا لنتهدی لولاان هدانا الله والحمدلله رب العالمین.

* * *

باید دانست که فیض‌القدسی تألیف محدث بزرگوار نامی حاج میرزا حسین نوری متوفی به سال ۱۳۲۰ ه ق که در آغاز جلد اول بحارالانوار چاپ امین‌الضرب چاپ‌شده، و در چاپ جدید بیروت در آغاز جلد ۱۰۲ بحارجای گرفته است، گزیده‌ای از نوشته آقا احمد درمرآت الأحوال و حدائق المقربین میر محمد صالح خاتون آبادی خواهرزاده و داماد مجلسی اول و مناقب الفضلاء میر محمد حسین خاتون آبادی پسر وی و وقایع‌السنین میر عبدالحسین خاتون‌آبادی معاصر مرحوم مجلسی و روضات الجنات خونساری است.

شرح حال نسبتاً مفصلی هم ازعلامه مجلسی به قلم دوست دانشمند فقید میرزا عبدالرحیم ربانی شیرازی در آغاز بحارالانوار جدید چاپ تهران به زبان عربی است که از مجموع مآخذ گرد آورده است.

غیر از این مآخذ و نوشتارها، کتابها و مقالاتی هم به‌طور مستقل و پراکنده از مجلسیها در دست است که اگر نیازی بود در ضمن کتاب به آنها اشاره می‌کنیم، و اگر خطاهائی در آنها دیدیم یادآور می شویم.

از آنجا که شخصیت علمی و دینی علامه مجلسی و تأثیر وجود وی در عصر خود و

۱. گفتنی است که پایان نامه فوق‌لیسانس یکی از خواهران ایمانی از دانشگاه تربیت مدرس تحت عنوان «علامه مجلسی و آثار فارسی او» نیز با راهنمائی اینجانب انجام گرفته است. مرحوم دکتربحرالعلوم اصفهانی که خود استاد مشاور آن بود، پس از پایان دفاع از آن اظهار داشت که من پیشنهاد می‌کنم چون این پایان نامه زیر نظر فلانی تنظیم شده و او استاد راهنمای آن بوده است، بعنوان بهترین پایان‌نامه دانشگاه تربیت مدرس از طرف دانشگاه چاپ و منتشر شود. اگر پایان‌نامه مزبور هم چاپ و منتشر شود اثری دیگر در بارها علامه مجلسی خواهد بود که توفیق دیگری برای ما است.

تألیفات فارسی و عربی او در رواج مذهب شیعه امامیه در ایران و دیگر بلاد اسلامی مورد حب و بغض دوست و دشمن بوده و از زمان حیات او تاکنون در کتابها آمده است، ه مچنین در سفرنامه ها و کتابهای خارجیها راجع به این مرد بزرگ ایران و تشیع سمپاشی ها شده و نسبتهای ناروا داده‌اند، و هر کدام به مقتضای طینت و طبیعت خود سخنی گفته و نتیجه‌ای گرفته‌اند، لذا ما قسمتی از آنها را مطرح و پیرامون هر یک بحث نموده و قضاوت را بعهدهٔ وجدانهای بیدار و اندیشه های پاک می گذاریم، تا چه قبول افتد وچه درنظرآید.

تهران: علی دوانی

هشتم اسفند ماه ۱۳۶۸